



پهنه‌بندی شهر تهران بر اساس شاخص‌های اجتماعی جمعیتی مدرنیته

احمد پوراحمد: استناد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سیدحسین حاتمی‌نژاد: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ایرج قاسمی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران*

دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۰، صص ۱۸-۱

چکیده

هدف اصلی این مقاله شناسایی نابرابری‌های ناشی از مدرنیزاسیون و پهنه‌بندی شهر تهران از نظر شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی است تا میزان دستیابی به اهداف و اصول مدرنیته در مناطق شهر مشخص شده و مناطق سنتی از مناطق مدرن تفکیک گردند. مطالعه از نظر هدف کاربردی و به لحاظ روش توصیفی - تحلیلی است. برای این منظور با استفاده از داده‌های ثانویه، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن و طرح‌های توسعه و عمران شهری، شاخص‌های اجتماعی قابل دستیابی از این داده‌ها استخراج و با تکنیک تاپسیس پردازش گردیده؛ سپس در محیط نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی به صورت فضایی نمایش داده شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سه پهنه مدرن، در حال گذار و سنتی در تهران قابل تعریف و شناسایی است. پهنه مدرن در شمال و غرب تهران و پهنه در حال گذار در مرکز و شرق و پهنه سنتی تر در جنوب تهران قرار گرفته است. پهنه‌بندی انجام شده گویای تفاوت در انطباق‌پذیری مناطق با اصول مدرنیته است. بدین معنی که مدرنیزاسیون اجتماعی در برخورد با سنت‌های فعال و پویای مناطق مختلف شهر، با سرعت و شتاب متفاوتی پیشرفت کرده است. مدرنیزاسیون اجتماعی در تعامل و تقابل با سنت در جنوب دچار چالش بیشتری شده است. اما این چالش به معنی توقف فرایند مدرنیزاسیون نبوده است. جامعه سنتی در پی درونی کردن شاخص‌های مدرنیته بوده و در این فرایند راه و روش خاصی را برای مدرن شدن تعریف کرده است. در مناطق میانی چانه‌زنی سنت و مدرنیته شکل گرفته و دگردیسی سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند. در این روش مدرنیزاسیون، هیچ یک از مناطق شهر تهران نمی‌توان سنت یا مدرنیته خالص مشاهده کرد.

واژه‌های کلیدی: مدرنیزاسیون، پهنه‌بندی، تهران، شاخص‌های جمعیتی مدرنیته، مدرنیزاسیون اجتماعی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مساله

به دنبال رشد مظاهر زندگی مدرن و صنعتی شدن شتابان، جوامع سنتی دستخوش تغییر و تحولات عمده در همه زمینه‌ها از جمله ابعاد اجتماعی و فرهنگی شدند. غالب نظریه‌های کلاسیک و معاصر نوسازی معتقدند که گذر از جامعه ماقبل صنعتی به صنعتی، منجر به تغییرات اساسی در تجارب روزمره و جهان‌بینی حاکم می‌شود (Bell, 1973; Inglehart, 1997; Spier, 1996; Inglehart and Baker, 2000 به نقل از آزادارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

جامعه ما علاوه بر انقلاب، هشت سال درگیری در جنگ تحمیلی را تجربه کرد که تثبیت کننده ارزشهای جدیدی بود. به دنبال آن جامعه، بازسازی در ابعاد مختلف را آغاز کرد. با تغییر گفتمان ناشی از این تحولات، در طول سال‌های بازسازی شهرها و جامعه، شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توسعه با کمی فراز و نشیب رو به بهبودی نهاده است (آزادارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۹۸). تهران به عنوان دروازه ورود فرهنگ مدرن و بستر چالش مدرنیته با سنت، از این تحولات تاثیر پذیرفته و آنها را بازتولید کرده است. گستره وسیع جغرافیایی تهران و تفاوت زمانی در گذار از سنت به مدرنیته در مناطق مختلف شهر، اذهان بسیاری از متفکران را متوجه این سوال کرده است که وضعیت مناطق مختلف شهر تهران از نظر میزان تحقق اصول مدرنیته چگونه است. اکنون با علم به اینکه اصول مدرنیته در شهر تهران همه مناطق و پهنه‌های جغرافیایی را به طور یکسانی تحت

تاثیر قرار نداده و تفاوت شمال - جنوب یکی از پیامدهای این پدیده بوده (هورکاد، ۱۳۸۸: ۴۷) که به نابرابری فضایی در فرایند گسترش کالبدی شهر تهران (کرمی، ۱۳۹۰) انجامیده است، مساله اصلی، شناخت و تشخیص تفاوت‌های فضایی و مکانی مناطق از نظر اصول مدرنیته با تاکید بر ابعاد اجتماعی و جمعیتی است تا بر اساس آن برنامه‌ریزی اجتماعی برای توسعه تدوین گردد. با توجه به مسأله فوق، این مقاله به دنبال پهنه‌بندی مناطق از نظر میزان نزدیکی به اصول مدرنیته از ابعاد اجتماعی و جمعیتی، برای شناسایی و تفکیک پهنه‌های مدرن از پهنه‌های سنتی و در حال گذار می‌باشد.

۱-۲- اهمیت و ضرورت

بهبود سطح زندگی و رفاه خانوارهای کل کشور به ویژه ساکنان کلان‌شهر تهران یکی از دغدغه‌های اصلی مدیران شهری و مسئولان سیاسی است. با تغییر نگاه از کالبدمحوری به توسعه پایدار و توجه به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، توسعه فضاها و امکانات فرهنگی در برنامه‌های توسعه شهری جایگاه مهمتری پیدا کرد. چالش‌های سنت و مدرنیته یکی از موانع اساسی اجرای این برنامه‌ها و توسعه و نوسازی جامعه به شمار می‌رود (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۸). از این رو پهنه‌بندی شهر برای شناسایی پهنه‌های دارای چالش، و تفکیک آنها از سایر پهنه‌ها به برنامه‌ریزی بهتر برای توسعه کمک زیادی می‌کند.

با افزایش وسعت شهر تهران و بروز نابرابری‌ها، دوگانگی و عدم تعادل فضایی امکانات و خدمات شهری، برنامه‌ریزی برای توزیع همگن خدمات و امکانات شهری و مدرن‌سازی جامعه به ویژه در

تعیین معیارهای سنجش و آزمون شاخص‌ها با استفاده از روش تاپسیس از اهداف فرعی مقاله می‌باشد.

۱-۴- پیشینه پژوهش

اسکات لاش (۱۹۹۱) در پژوهش تطبیقی مدرنیسم در سه شهر وین، پاریس و برلین، معتقد است که امر مدرن یگانه‌ای وجود ندارد، بلکه کثرتی از مدرنیسم وجود دارد که هر یک ویژگی‌ها و معانی مختص خود را دارند. مدرنیسم وینی تا اندازه زیادی در خلاف جهت پروژه روشنگری حرکت می‌کند و مدرنیسم پاریسی نشانگر ژرفا یافتن عقلانیت روشنگری است. در حالی که مدرنیسم برلین آمیزه‌ای است سراپا متفاوت و یقیناً غربی‌تر. تفاوت در مدرنیسم می‌تواند در جوامع و محلات دیگر نیز به صورت همزمان رخ دهد.

زگر (۱۳۷۵) در مقاله تفکیک تسهیلات خرده‌فرشی و مرکز دوقطبی تهران، بر اساس داده‌های آماری و تهیه نقشه مناطق ساخته شده شهر تهران، ساختار شهری دوگانه و مرکز شهری دوقطبی به صورتی تجربی را مشخص کرده است. وی با بررسی تهران، "مدل مادرشهر شرقی غربی شده دو قطبی" را بدست آورده است. از نظر او همین وضع را می‌توان در مغرب، و نیز استانبول با قاهره و کلیه شهرهایی دید که در آنها هسته سنتی شهر با توسعه شهری شدید غربزده روبرو شد.

فاضلی (۱۳۷۵) در مقاله ارزیابی انتقادی نظریه نوسازی، در جمع‌بندی از این نظریه معتقد است؛ از آن‌جا که برای تعیین نوع جامعه سنتی و جدید، در اغلب تبیین‌ها، بیشترین اهمیت به نقش ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مردم داده می‌شود، به نظر می‌رسد

مناطق کمتر توسعه یافته و سنتی اهمیت پیدا می‌کند. به همین دلیل در اغلب برنامه‌ها و اسناد طرح توسعه شهری و منطقه‌ای، توزیع عادلانه امکانات و افزایش سطح زندگی مناطق محروم در اولویت قرار گرفته و شناخت این مناطق و پهنه‌ها ضرورت پیدا کرده است. مدیریت شهری و تجربه چند دهه عمران و بهسازی شهری نشان داد که، مشارکت و همکاری مردم برای توسعه ضرورتی انکارناپذیر است. این مهم تنها در صورتی تحقق پیدا می‌کند که جامعه از نظر اجتماعی توسعه پیدا کند. برای موفقیت در جلب مشارکت مردمی وضعیت مناطق از نظر اجتماعی و فرهنگی بررسی و سطح‌بندی شود تا متناسب با ظرفیت‌های هر پهنه نسبت برنامه توسعه اجتماعی تدوین گردد.

برنامه توسعه عدالت اجتماعی در شهر اقتضاء دارد تا مناطق کمتر توسعه یافته مورد توجه بیشتری قرار گرفته و بودجه و امکانات به صورت هدفمند به این مناطق با اولویت تخصیص داده شود. شناسایی پهنه‌های کمتر توسعه یافته و سنتی از پهنه‌های توسعه یافته و مدرن کمک می‌کند تا برنامه و بودجه هدفمند و متناسب با نیاز تدوین یافته و تخصیص یابد. این اقدام علاوه بر زمینه‌سازی برای اجرای طرح‌های توسعه و عمران، بستر تعادل در شاخص‌های اجتماعی را فراهم کرده و به عدالت فضایی در شهر نزدیک می‌شود.

۱-۳- اهداف

هدف اصلی این مقاله پهنه‌بندی شهر تهران از نظر دستیابی به اهداف و اصول مدرنیته در ابعاد اجتماعی و جمعیتی است تا مناطق سنتی از مناطق مدرن تفکیک گردند.

محمودی (۱۳۸۷) در پژوهش چالش‌های اجتماعی و فرهنگی سنت و مدرنیته در ایران، معتقد است که در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی در دو سطح کلان و خرد چالش‌های سنت و مدرنیته مانع اساسی بر سر راه توسعه و نوسازی ایران است.

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۹۲) در پژوهش سنجش کیفیت زندگی در شهر تهران، ضمن تعریف شاخص‌های کیفیت زندگی، محلات شهر تهران را بر اساس این شاخص‌ها ارزیابی و سنجش نموده است. برخی شاخص‌های مورد بررسی در این مطالعه جمعیتی و اجتماعی بوده‌اند. با این حال پژوهش فوق به پهنه‌های همگن نرسیده است.

در مطالعات انجام شده قبلی تنها زگر به پهنه‌بندی شهر تهران همت گمارده است. در این مطالعه تاکید بر فعالیت‌های تجاری و تسهیلات خرده‌فروشی و سیستم توزیع و فروش کالا (بازار) بوده است. بنا بر این تمرکز اصلی مطالعه به محدوده مرکز شهر قرار داشته و ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی را مد نظر ندارد. در مطالعه سنجش کیفیت زندگی نیز، محلات تهران بر اساس شاخص مورد ارزیابی قرار گرفته ولی به پهنه‌های همگن اشاره‌ای نشده است. از این رو می‌توان مطالعه انجام شده در این مقاله را از این نظر که به پهنه‌بندی مناطق از نگاه اجتماعی و جمعیتی می‌پردازد، متفاوت از سایر مطالعات دانست.

۱-۵- سوال و فرضیه‌های تحقیق

- گذار از سنت به مدرنیته و پیشرفت مدرنیزاسیون اجتماعی در مناطق شهر تهران چگونه است؟

تغییر ارزش‌ها، مهمترین شرط تغییر اجتماعی به شمار می‌رود. از سوی دیگر، جوامع مختلف هر یک به علت اهمیت دادن به برخی از ویژگی‌های تجدد، در مراحل متفاوتی از توسعه قرار دارند. این ویژگی در داخل کشور و شهرها نیز می‌تواند عملی گردد

پورا احمد و یزدانی (۱۳۸۴) در مقاله تاثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای اسلامی - ایرانی، تحولات معاصر شهر ایرانی - اسلامی (تبریز) را بیشتر ناشی از ظهور مدرنیسم در اقتصاد، اجتماع، سیاست، فرهنگ، و غیره می‌دانند. مدرنیسم بر ساختار کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی تاثیر گذاشته و این شهرها از نظر کالبدی به سه بخش مجزا؛ محلات سنتی، محلات برنامه‌ریزی شده و محلات حاشیه‌ای تقسیم شدند.

آزادارمکی (۱۳۸۶) در مقاله تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن، متغیرهای سن، تحصیلات و درآمد را به عنوان متغیرهای مستقل در مطالعه سنت و مدرنیته مورد بررسی قرار می‌دهد. آزادارمکی خود سطح توسعه انسانی را به عنوان شاخص فرایند مدرنیته و مدرنیزاسیون جوامع انتخاب کرده است. این بررسی نتیجه می‌گیرد که؛ در ایران سالخورده‌گان، کم‌سوادان و فقیران بیشتر از جوانان، دانشگاهیان و ثروتمندان به آموزه‌های سنتی خانواده پایبندند و تجانس بیشتری در این خصوص دارند. در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران، ماندگاری عناصر سنتی در عرصه دین بیشتر از عرصه خانواده است. و نهایتاً در سطح کلان، بین تجانس فرهنگی در حوزه عناصر سنتی و سطح توسعه انسانی کشورها رابطه معکوس وجود دارد، یعنی در فرآیند مدرنیته، تجانس فرهنگی جای خود را به تشتت آراء در حوزه عناصر سنتی فرهنگ می‌دهد.

روش دلفی از طریق مصاحبه با ۱۰ نفر از اساتید متخصص در این زمینه تعیین شدند. سپس با تغییر جهت برخی از شاخص‌ها (مثلاً بی‌سوادی به جای باسوادی) همه شاخص‌ها در یک جهت تأیید کننده سنتی بودن جامعه شدند. بنا بر این منطقه‌ای که بالاترین شاخص‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، سنتی‌ترین منطقه خواهد بود.

در مرحله بعد با استفاده از تکنیک سطح‌بندی تاپسیس، امتیاز مناطق مشخص شده و به ترتیب نزولی مرتب شدند. نهایتاً در نرم‌افزار GIS نقاط شکست طبیعی بین شاخص‌ها مشخص و در سه گروه دسته‌بندی شدند. گروه با بیشترین امتیاز مناطق سنتی و گروه میانی، مناطق در حال گذار و گروه با کمترین امتیاز مناطق مدرن شناخته شدند.

۱-۷- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

در بررسی تأثیر مدرنیته بر سنت، سه متغیر سن، تحصیلات و درآمد را به عنوان متغیرهای مستقل در نظر می‌گیرند (آزادارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). آزادارمکی خود سطح توسعه انسانی را به عنوان شاخص فرایند مدرنیته و مدرنیزاسیون جوامع انتخاب کرده است (همان: ۱۰۷) هسته‌ای شدن خانواده (برناردز، ۱۳۸۴: ۳۱)، تراکم و انبوه‌سازی (پاپلی و سقایی، ۱۳۸۱: ۱۶) و در عین حال آزادسازی سطح زمین برای اوقات فراغت و زیرساخت‌ها تا میزان ۸۵ درصد (بحرینی، ۱۳۷۸: ۳۱)، تغییر در نگرش‌ها و باورها (Ginsberg, 1958: 29)، سست شدن روابط سنتی خانواده (Ingelhart, 1977)، به نقل از آزادارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۱۰۳)، افزایش میانگین سنی از طریق کاهش تعداد فرزندان و بالا رفتن امید به زندگی، کننده

- مناطق شهر تهران از نظر شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی مدرنیته به چه صورتی قابل پهنه‌بندی کرد؟

فرضیه تحقیق: گذار از سنت به مدرنیته و مدرنیزاسیون اجتماعی در مناطق تهران پیشرفت یکسانی نداشته است. این اختلاف، به تفاوت‌های فضایی تحقق اصول مدرنیته در پهنه‌های جغرافیایی منجر شده است.

۱-۶- روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. داده‌های ثانویه سرشماری عمومی نفوس و مسکن مبنای پژوهش بوده و برای بیان فضایی شاخص‌ها از نقشه پایه ارائه شده از سوی شهرداری تهران کمک گرفته شده است.

اطلاعات مستند این مقاله از داده‌های سرشماری در سال‌های ۶۵ به بعد استخراج گردیده است. داده‌های شاخص‌های مدرنیته عمدتاً متکی به نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و نتایج مطالعات طرح جامع جدید تهران (بوم‌سازگان، ۱۳۸۵) می‌باشد. با این حال در برخی موارد که نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ قابل دستیابی بوده، از این داده‌ها استفاده شده است.

برای پردازش اطلاعات از تکنیک تاپسیس بهره برده شده و محاسبات لازم با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و Spss انجام گرفته است. نتایج مطالعه در نرم‌افزار ArcGis 9.3 به صورت فضایی نمایش داده شده و پهنه‌بندی می‌شوند.

در قالب تکنیک‌های فوق پس از تعیین اهداف، شاخص‌های تحقیق بر اساس مطالعات نظری و با

اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ بیش از ۸ میلیون و ۱۵۱ هزار نفر در این محدوده زندگی می‌کرده‌اند. کم‌جمعیت‌ترین منطقه شهر، منطقه ۲۲ با حدود ۱۲۹ هزار نفر و پر جمعیت‌ترین منطقه، منطقه ۴ تهران با بیش از ۸۶۱ هزار نفر جمعیت است.

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

۲-۱- تعریف و مفاهیم

پهنه‌بندی: پهنه‌بندی در برنامه‌ریزی شهری، واژه‌ای است که توصیف‌کننده عمل تقسیم یک شهر یا منطقه به قطعات زمین یا بخش‌ها به منظور برنامه‌ریزی استفاده از زمین است (Gregory and else, 2009: 819). از نظر اجتماعی پهنه‌بندی، تقسیم زمین به قسمت‌های مختلف به نحوی است که هر قسمت بر اساس ویژگی اجتماعی، ممنوعیت‌های اجتماعی یا سایر عوامل، از دیگر بخش‌ها منفک شود (Wilson and Appiah-Opoku, 2011: 2053). در این مقاله پهنه جغرافیایی مجموعه‌ای از یک یا چند منطقه شهرداری است که از نظر شاخص‌های اجتماعی مدرنیته دارای همگنی بوده، به طوری که بتوان همه آن مناطق را در یک سطح تعریف کرد.

مدرنیته: مدرنیته یعنی منش شیوه زندگی امروزی و جدید، که به جای منش کهن زیستن نشسته، و آن را نفی کرده باشد (احمدی، ۱۳۷۷: ۹). مدرنیته تأکید بر حرکت رو به جلویی دارد که طی فرایند ممتد تحول و دگرگونی به سوی آینده‌ای متفاوت با حال و گذشته، حرکت می‌کند (Heynen, 1999: 11). و مجموعه‌ای از فرایندهای عینی و ذهنی است که برای رفع تراکم، گذشته و حال را تخریب می‌کند.

شدن از فضا و مکان (Giddens, 1996: 53) از جمله دیگر شاخص‌هایی هستند که پژوهش‌های جامعه‌شناسی در مطالعه و مقایسه جوامع سنتی و مدرن از آنها استفاده کرده‌اند.

در این پژوهش با استفاده از داده‌های ثانویه حاصل از سرشماری و منابع اطلاعاتی رسمی و با توجه به نوع داده‌هایی که به تفکیک مناطق تهران وجود دارد، شاخص‌های مورد نظر پس از مصاحبه با متخصصان، جمع‌بندی گردید (جدول ۱). مناطق شهر تهران بر اساس این شاخص‌ها پهنه‌بندی شده است.

جدول ۱- برخی از مهمترین ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی جامعه مدرن و شاخص مطالعه شده

ویژگی جامعه مدرن	شاخص
هسته‌ای شدن خانواده	بعد خانوار
افزایش جمعیت در واحد سطح	تراکم جمعیت
کاهش ارزش سنتی خانواده	سهم جمعیت هرگز ازدواج نکرده
افزایش دانش و علم انسان	درصد باسوادی
تغییر ارزشها و نگرش‌ها و سست شدن خانواده سنتی	سهم زنان شاغل
تغییر سبک زندگی و کاهش مولید و فرزندان	سهم جمعیت ۰-۱۴ ساله
افزایش سطح زندگی	نفر در واحد مسکونی
درآمد خانواده	خانوار در واحد مسکونی
کنده شده از مکان	میانگین اندازه واحد مسکونی
	سهم مهاجران
	سهم متولدین خارج از شهر

ماخذ: نگارندگان

۸-۱- محدوده و قلمرو پژوهش

محدوده مورد مطالعه مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران است که حدود ۷۲۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. بر

بعد خانوار، سلامت و درآمد و غیره از جمله شاخص‌های اجتماعی هستند (Witherick, 1991: 263).

۲-۲- دیدگاه‌ها و مبانی نظری

مدرنیته از نظر بودلر نیمه فانی، فرار، تصادفی هنری است که نیمه دیگرش جاودانی و تغییرناپذیر است (بودلر، ۱۳۸۱: ۱۴۵) و مدرنیزاسیون راه و روش‌های پیاده کردن اصول مدرنیته در جوامع سنتی است. جامعه‌شناسان، مدرنیزاسیون را فرایند تبدیل جامعه سنتی به جامعه مدرن می‌دانند که در جوامع پیامدهای مثبت و منفی در پی داشته است. از نظر دورکیم پلورالیزم ارزش‌ها و نیز از دست رفتن هنجارهای موجود اجتماعی یا به تعبیر او وضعیت آنومیک از جمله پیامدهای ناخواسته ساختاری مدرنیزاسیون است (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۱).

مدرنیزاسیون در جهان سوم در برخورد با سنت شکل متفاوتی به خود می‌گیرد. مدل‌های مدرنیزاسیون به توصیف دوگانگی سنت و مدرنیته می‌پردازند که طی آن این جوامع از سنت به سوی مدرنیته حرکت کرده‌اند (Nanda & Warms, 2002: 400).

اینگلهارت بر اساس وقوع یا عدم وقوع دو فرآیند مهم اجتماعی، یعنی نوسازی و فرانسازی که در طول تاریخ در برخی از جوامع انسانی به وقوع پیوسته است، جوامع را دسته‌بندی می‌کند. بر این اساس، او جوامع را به سه دسته سنتی، مدرن و فرامدرن تقسیم‌بندی می‌کند (آزادارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). آلموند بر مبنای متغیرهای الگویی پارسونز، بیشترین تأکید خود را بر روی وجوه تمایزات متعدد میان ساختار اجتماعی و فرهنگ مدرن و سنتی قرار داده

مدرنیزاسیون: «مدرنیزاسیون فرایندی اجتماعی است که در آن کوشش می‌شود نهادها و روابط و مناسبات در قلمروهای مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده متحول شوند تا با مقتضیات جهان مدرن انطباق پیدا کنند» (پایا، ۱۳۸۷: ۶۵). به عبارت دیگر، بسته جامعی از معیارهای فنی و نهادی تلقی می‌شود که هدفش ایجاد تغییرات اجتماعی گسترده است (Arce, 2000: 2). مدرنیزاسیون می‌تواند بی‌ثباتی اجتماعی بزرگتر، سازمان اجتماعی کارا تر و تغییر ارزش‌های اجتماعی را ایجاد کند. اغلب در مواردی به کار می‌رود که پذیرش آنچه در جوامع توسعه یافته‌تر اتفاق افتاده، تعهد می‌گردد. اما در جغرافیا، مدرنیزاسیون بیشتر در مفهوم اختصاصی فرایند تغییر در جامعه بکار می‌رود و شامل پراکندگی و انطباقی است که به پیشرفت عمومی جامعه به سمت توسعه منجر می‌شود (Witherick, 1991: 173). در این مطالعه، فرایند تعریف شده برای دستیابی به آثار و نتایج مدرنیته در جامعه، مدرنیزاسیون گفته می‌شود. به تعبیری دیگر، مدرنیزاسیون فرایند تطبیق جامعه و نمودهای بیرونی آن با نیازها و شرایط جدید و مدرن و فرایندی برای اخذ همزمان مدرنیسم و مدرنیته است. فرایند تطبیق و انطباق با اصول و نمودهای مدرنیته به ویژه در مناطقی که سنت‌ها زنده و فعال هستند، با چالش مواجه می‌گردد. چالشی که گاه به نفع سنت و گاه به سود مدرنیته تمام می‌شود، ولی گو اینکه فرایند به سوی مدرنیته خواهد بود.

شاخص‌های اجتماعی: سنجه‌هایی هستند که به وسیله آن‌ها می‌توان کمیت، کیفیت و یا بهبود و افول کیفیت زندگی و وضعیت اجتماعی را اندازه‌گیری کرد. سواد،

است. آلموند و پاول (۱۹۶۶) با بهره‌گیری از تقسیم‌بندی تونیس و ماکس وبر در خصوص جوامع مهرپیوند و جوامع سودپیوند و بکارگیری متغیرهای الگویی پارسونز، جوامع انسانی را بر اساس وجوه تمایزشان به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم می‌نمایند که جوامع سنتی دارای خصوصیتی نظیر مبهم، آمیخته با احساس، علاقمند به مصادیق، تکیه بر موقعیت‌های توارثی بوده و جوامع مدرن دارای خصوصیتی نظیر شخصی، خنثی، علاقمند به مفاهیم کلی و تکیه بر موفقیت و شایستگی است (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۹۳).

در مورد نحوه برخورد مدرنیته با جامعه سنتی ایران و مدرنیزاسیون جامعه، دو نظریه اساسی وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که جامعه ما در برخورد با مدرنیته کاملاً دچار غفلت زمانی، مکانی و محتوایی بود و هرگز مجال اندیشیدن، شفاف‌سازی و بومی کردن آن را پیدا نکرد. مدرنیته به سرعت سنت را تخریب کرده و جنبه‌های ظاهری، عوامل محتوایی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد و بی آنکه ژرفای تحولات، فرایند تغییرات و پیشرفت‌های فکری و فلسفی و پیامدهای بعدی تبیین گردد، بیشتر از طریق فناوری وارداتی و کنار گذاشتن دستاوردها و تجارب تاریخی، درصدد جبران عقب ماندگی گذشته و نیل به جامعه توسعه یافته بود. به تعبیر کاتوزیان، رشد مدرنیته در ایران دیرپا، سطحی و در اثر نبود یک کلیت فکری منسجم و جهت‌گیری نظامی یافته، کاملاً جزء‌گرایانه عمل کرده است (محمدزاده، ۱۳۸۴: ۲۵). گروهی دیگر بر این اعتقادند که ارزشها و معیارهای غربی وقتی به ایران رسیدند به جامعه‌ای

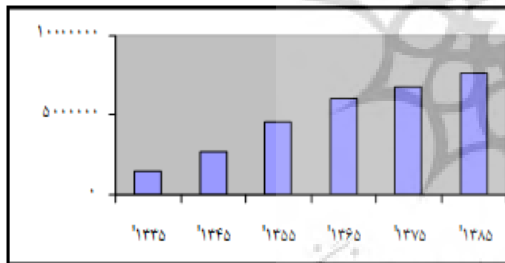
وارد شدند که خود در حال پویایی و نوسازی بود (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۳ و نجفی، ۱۳۸۷: ۳). از این رو در برخورد با سنت پویا و فعال به تغییراتی در درون خود دست زده و مدرنیته‌ای که در ایران شکل گرفت با آنچه در غرب متولد شده بود، متفاوت گردید. از این دیدگاه جامعه سنتی ارزش‌ها و ایده‌های جامعه را متناسب با نیازهای جدید تغییر داد. بر مبنای این رویکرد، گذشته، حال و آینده با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند. پس زمان حال نمی‌تواند بی‌تأثیر از گذشته باشد و از ترکیب حال و گذشته، آینده ساخته می‌شود. بدین لحاظ است که می‌توان از مفهوم "مدرنیته ایرانی" که معطوف به حضور ارزش‌های جهانی، منطقه‌ای، ملی، و سنتی به طور همزمان متعامل با هم است، سخن گفت (آزادارمکی، ۱۳۸۰: ۷۹). در چنین شرایطی بسته به میزان فعال بودن سنت و مقاومت در برابر مدرنیته، زمان و نحوه تأثیرگذاری مدرنیته و بومی شدن ارزش‌های مدرن تفاوت می‌کند. نابرابری در پذیرش ارزش‌های مدرن و بومی کردن این ارزش‌ها، عدم تعادل در نظم اقتصادی و اجتماعی را بوجود آورده است. ریشه نابرابری‌ها و تمایزات فضایی ناشی از آن که در شهر مشاهده می‌شود را بایستی در نابرابری‌های نظم اقتصادی و اجتماعی جستجو کرد (ژرژ، ۱۳۷۰: ۴۴).

مدرن شدن فرایند تمایزیابی نیز تعبیر می‌شود (لش، ۱۳۸۸: ۱۲). جامعه شناسان شهری نخستین، مانند پارک و ویرث تمایز را هم زمانی و هم فضایی می‌دانند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۲۱). از این جهت ارتباط جغرافیا با تمایز در مدرنیته اهمیت پیدا می‌کند.

۳- تحلیل یافته‌ها

۳-۱- توصیف شاخص‌ها

جمعیت تهران طی نیم قرن از ۱/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به ۷/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. متوسط رشد جمعیت در این دوره ۳/۳۴ درصد بوده است. بیشترین نرخ رشد تحت تاثیر اصلاحات ارضی و برنامه صنعتی کردن جامعه با رقم ۶/۰۵ درصد مربوط به دهه ۳۵-۴۵ و بعد از آن با کم شدن تاثیر اصلاحات و نوسازی جامعه (با ۵/۲۳ درصد) مربوط به دهه ۴۵-۵۵ بوده است. در دهه‌های بعدی نیز به ترتیب با ۲/۲۹، ۱/۱۳ و ۱/۴ درصد می‌باشد. داده‌های فوق نشان می‌دهد که نرخ رشد جمعیت شهر تهران با ایجاد یک شک در دوره اصلاحات ارضی و مهاجرت از روستا به شهر، روندی کاهشی داشته است.

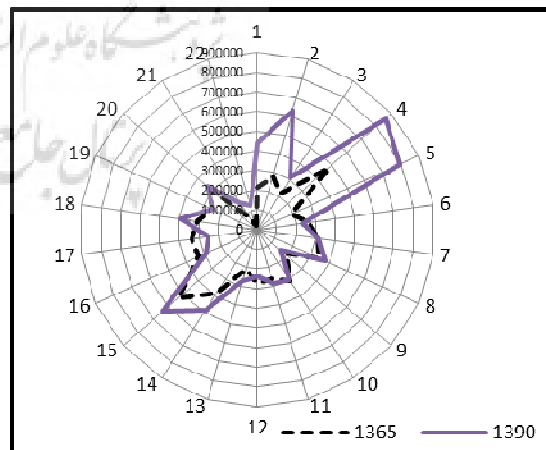


شکل ۲- تغییرات جمعیت خانوارهای معمولی تهران

بر اساس شاخص رشد جمعیت و تقسیم آن به رشد منفی، رشد در حدود متوسط و رشد بالاتر از متوسط، پهنه‌های متفاوت شکل می‌گیرد. مناطق ۶، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۷ و ۱۹ شهر تهران طی سالهای ۶۵ تا ۸۵ با نرخ رشد منفی روبرو بوده‌اند. مناطق فوق در این دوره در حال تغییر عملکرد از سکونت به فعالیت تجاری و اداری بوده‌اند. در جهت مقابل مناطق ۵، ۲۱ و ۲۲ که هر سه مناطق جدید و رو به توسعه می‌باشند، نرخ

تمایزی که بر مبنای ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته و ماهیت فضایی پیدا می‌کند، خصلت بنیادی شهرها می‌شود (Sassen, 2001: 394). بنابراین، نابرابری فضایی ویژگی‌های اجتماعی و تفاوت‌ها در سرعت و ماهیت مدرنیزاسیون با هم رابطه دیالکتیکی دارند. مدرنیزاسیون به تمایزیابی و خودمختار شدن ساختارهای اجتماعی (لش، ۱۳۸۸: ۴) انجامیده و به معنای پروژه نوسازی است و تمایز اجتماعی به نابرابری فضایی در پذیرش اصول مدرنیته منجر می‌شود.

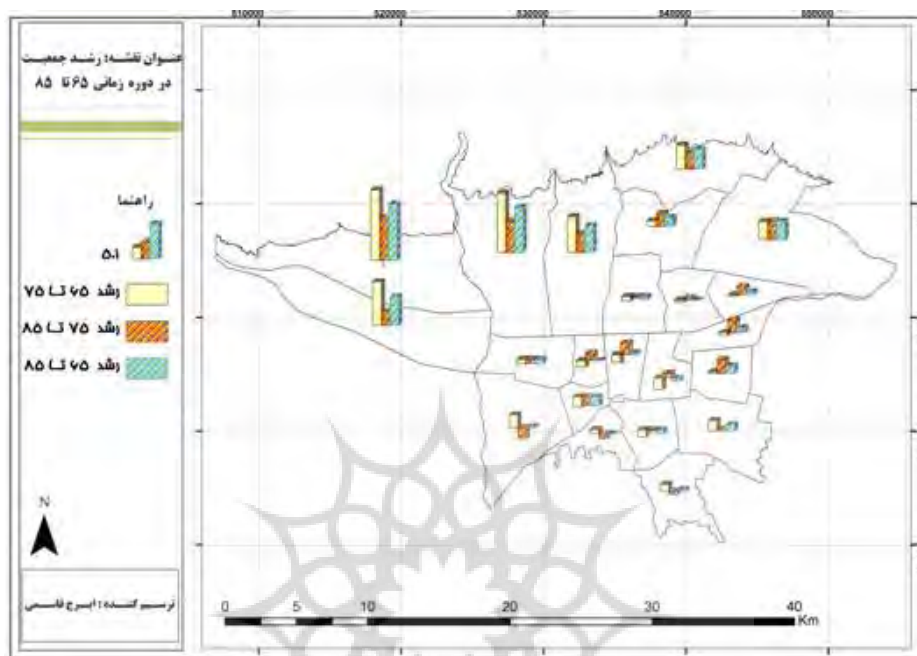
با لحاظ اینکه مدرن بودن یک تیپ ایده آل است، هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان کاملاً مدرن یا کاملاً سنتی پیدا کرد. حرکت در جهت مدرن شدن یک حرکت دائمی است و میزان تحقق این هدف طیفی از جوامع سنتی کامل تا مدرن را بوجود می‌آورد. مدرنی که در همان لحظه‌ای و فرار می‌تواند مدرن باشد و در لحظه بعد به دنبال شرایط بهتری است. این سیر تحول و دگرگونی، در شدن و بودن، نابرابری شاخص‌ها را توجیه می‌کند.



شکل ۱- مقایسه جمعیت مناطق تهران در سال ۱۳۶۵ و

متوسط شهر روبرو بوده‌اند. شکل شماره ۴ تغییر نرخ رشد را در سال‌های ۶۵ تا ۸۵ نشان می‌دهد.

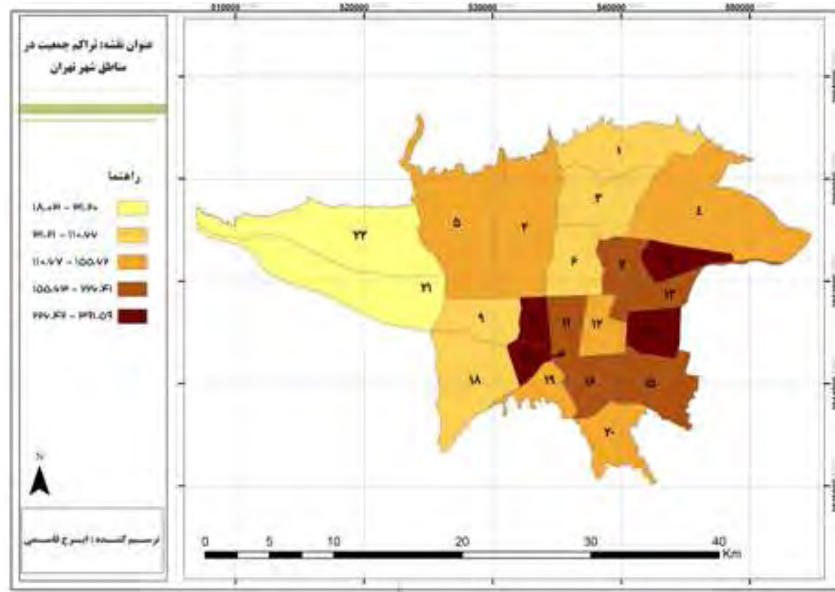
رشد مثبت بالاتر از ۴ درصد را تجربه کرده‌اند. مناطق ۱، ۳ و ۴ نرخ رشدی بالاتر از متوسط شهری داشته‌اند و سایر مناطق با رشد جمعیت مثبت برابر یا کمتر از



شکل ۳- رشد جمعیت در دوره زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵

گرایش پیدا کرده است. سکونت‌گزینی جدید جمعیت در غرب و شرق تهران بر اساس مراکز جدید شهری ایجاد شده در انطباق با طرح‌های توسعه شهری بوده است. رشد خطی مد نظر در طرح جامع اول و پهنه‌بندی ۵ حوزه‌ای طرح ساماندهی آتک این نوع سکونت‌گزینی را توصیه می‌کنند. بدین ترتیب در فرایند برنامه‌ریزی شده، تراکم جمعیت در غرب به ویژه در مناطق ۲، ۵ و ۲۲ افزایش یافته است. با وجود این مناطق جنوبی در برابر نیروهای وارده از طریق برنامه و طرح‌های توسعه برای کاهش تراکم، مقاومت بیشتری به خرج داده‌اند. تراکم جمعیت مناطق در شکل شماره ۵ نشان داده شده است.

تراکم جمعیت در شهر تهران از ۱۰۳/۵ نفر در هکتار در سال ۱۳۶۵ به حدود ۱۲۷/۲ نفر در هکتار بالغ شده است. توزیع فضایی جمعیت در مناطق شهر تهران ناهمگونی مناطق مختلف را نشان می‌دهد. داده‌ها و اطلاعات تراکم جمعیت در دوره ۶۵ تا ۸۵ نشان می‌دهد که پهنه جغرافیایی مرکز شهر در سال ۱۳۶۵ پرتراکم‌ترین مناطق بوده‌اند، و مناطق ۱ تا ۵ که در پهنه شمالی قرار دارند، کم‌تراکم‌ترین مناطق شهر تهران بوده‌اند. تراکم جمعیت در سال ۶۵ و ۸۵ تصویر مشابهی ارائه می‌دهد، به طوری که تراکم در جنوب و جنوب شرق شهر بیشتر از سایر مناطق بوده و جهت افزایش تراکم در جهت شمال شرق و شمال غرب



شکل ۴- توزیع فضایی تراکم جمعیت تهران در سال ۱۳۸۵

با هسته‌ای شدن خانواده و کاهش مولید، بعد خانوار طی سالهای ۶۵ تا ۸۵ از ۴.۴۱ نفر به ۳.۳۷ نفر کاهش یافته است. به عبارت دیگر، خانوارهای تهرانی به اندازه ۱.۰۴ نفر کوچکتر شده‌اند. این شاخص در زمان واحد در مناطق مختلف نمود متفاوتی دارد.

بعد خانوار سال ۱۳۸۵ در مناطق ۲، ۱۰، ۱۱، ۷ و ۸ کمتر از متوسط شهری و در مناطق ۴، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ بالاتر از متوسط شهری است و در بقیه مناطق بعد خانوار در حدود متوسط شهری (بین ۳/۳۵ تا ۳/۵) می‌باشد. مناطق مهاجرپذیر و جنوبی شهر از بعد خانوار بالاتری برخوردارند و هنوز در جامعه شهری ادغام نشده‌اند. اما مناطق شمال شاخص‌های نسبتاً متعادلی دارند.

مهاجرت در طول دوره مورد بررسی باعث شده تا سهم جمعیت متولدین غیرتهرانی در مناطق جنوبی و منطقه ۶ به شکل نامتعادلی افزایش یابد. حضور دانشجویان در منطقه ۶، عدم تعادل شاخص در این

سهم بالای جمعیت کمتر از ۱۴ سال در سال ۱۳۸۵ نشان دهنده جوانی جمعیت است. حدود ۲۰/۲ درصد از جمعیت تهران در این گروه سنی قرار گرفته و ۷۷ درصد در گروه سنی ۶۴-۱۵ و ۲/۸ درصد نیز در گروه سنی کهنسالان بالاتر از ۶۵ سال قرار دارند. مقایسه شاخص فوق در دوره‌های مختلف نشان دهنده هماهنگی تغییرات شهر تهران با فرایند مدرنیزاسیون در جوامع دیگر است. به طوری که از سهم جمعیت گروه اول کاسته شده و به جمعیت کهنسالان افزوده شده است.

جدول ۲- تغییرات تعداد و بعد خانوار در محدوده مناطق

شهر تهران

شرح	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت	۶۰۹۴۸۷۶	۶۸۵۳۸۶۴	۷۷۹۷۵۲۰
نرخ رشد دوره	۳.۰۱	۱.۱۸	۱.۳
جمعیت خانوارهای معمولی	۶۰۳۸۸۶۱	۶۷۵۸۸۴۵	۷۶۳۳۱۴۱
جمعیت خانوار گروهی	۵۶۰۱۵	۹۵۰۱۹	۱۶۴۳۷۹
خانوار معمولی	۱۳۷۰۴۸۰	۱۶۶۰۲۱۹	۲۲۶۷۸۹۲
بعد خانوار	۴.۴۱	۴.۰۷	۳.۳۷

ماخذ: اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن

مسکونی، تعداد خانوار در واحد مسکونی و مساحت واحد مسکونی نیز این جدایی و گسست فضایی را تأیید می‌کنند. با این توضیح که شاخص‌های فوق در منطقه ۶ از قانونمندی‌های کلی تبعیت نمی‌کنند. در این منطقه دانشجویان که ویژگی‌های اجتماعی خاصی دارند، بر شاخص‌های منطقه تأثیر گذاشته‌اند.

۳-۲- پهنه‌بندی با تکنیک تاپسیس

به منظور استفاده از تکنیک تاپسیس و سطح‌بندی مناطق شهر تهران، در گام اول ماتریس شاخص‌های مورد بررسی تنظیم گردید (جدول ۳).

محدوده را توجیه می‌کند. اما در مناطق جنوبی، به ویژه مناطق ۲۰، ۱۷ و ۱۸ ایستگاه اول کارگران و افراد کم‌درآمد برای ادغام تدریجی در جامعه شهری می‌باشد. این عامل باعث نامتعادل شدن شاخص فوق شده است.

توزیع فضایی شاخص باسواد در مناطق تهران نیز نشان دهنده گسست فضایی مناطق شمالی از جنوبی و شکل‌گیری مناطق حائل در مرکز می‌باشد. بدین ترتیب سه پهنه شمال، مرکز و جنوب با اندکی مسامحه قابل شناسایی است.

شاخص‌های دیگر از جمله سهم جمعیت متاهل از کل جمعیت، اشتغال زنان، تعداد نفر در واحد

جدول ۳- ماتریس شاخص‌های مورد بررسی در مناطق شهر تهران

منطقه	بعد خانوار	درصد بی سواد	تراکم جمعیت	درصد متاهلین	متولدین تهران	بیکاری زنان	جمعیت ۱۴-۰ ساله	نفر در واحد مسکونی	خانوار در واحد مسکونی	شاخص مساحت مسکن
۱	۳.۱۱	۲.۹۹	۱۰۹.۶۸	۶۴.۹۳	۶۶.۸۶	۱۰.۳۰	۱۴.۸۸	۳.۴۰	۱.۰۱	۳۸.۹۶
۲	۳.۰۷	۳.۰۸	۱۲۲.۸۰	۶۴.۹۷	۶۱.۷۴	۱۳.۷۶	۱۴.۶۷	۳.۳۶	۱.۰۱	۱۱۸.۳۸
۳	۲.۹۶	۱.۴۷	۲۲۳.۰۶	۶۳.۹۸	۶۰.۴۵	۹.۵۶	۱۸.۵۶	۱.۵۴	۱.۰۰	۱۳۸.۸۵
۴	۳.۱۸	۵.۱۷	۱۱۶.۹۲	۶۷.۹۵	۶۱.۴۴	۱۴.۶۲	۱۹.۱۷	۳.۴۶	۱.۰۱	۱۱۸.۳۹
۵	۳.۱۱	۳.۴۴	۱۱۵.۴۳	۶۸.۴۲	۶۳.۵۴	۱۵.۶۳	۱۸.۲۷	۳.۳۷	۱.۰۱	۱۲۸.۳۳
۶	۳.۱۴	۲.۵۱	۱۱۱.۹۱	۶۰.۵۴	۵۶.۱۱	۹.۹۸	۱۲.۴۴	۳.۳۵	۱.۰۱	۹۳.۳۸
۷	۲.۸۵	۴.۹۵	۲۰۱.۱۳	۶۷.۵۱	۶۳.۰۷	۹.۳۲	۱۶.۱۲	۳.۱۵	۱.۰۱	۱۲۵.۱۴
۸	۳.۰۱	۵.۸۱	۲۸۵.۹۲	۶۹.۲۱	۶۵.۲۰	۱۲.۴۸	۱۷.۵۲	۳.۲۸	۱.۰۱	۱۳۹.۹۰
۹	۳.۱۳	۸.۲۱	۸۱.۳۵	۶۷.۷۴	۵۹.۰۳	۱۷.۶۶	۱۸.۳۵	۳.۸۲	۱.۰۶	۱۳۹.۳۹
۱۰	۲.۸۹	۶.۸۲	۳۹۶.۱۴	۷۰.۰۲	۶۲.۸۹	۱۴.۹۰	۱۹.۰۰	۳.۲۲	۱.۰۲	۱۵۱.۱۴
۱۱	۲.۹۳	۵.۹۳	۲۳۲.۵۵	۶۸.۲۰	۶۳.۸۹	۱۳.۲۳	۱۸.۴۶	۳.۳۴	۱.۰۳	۱۳۵.۲۵
۱۲	۳.۱۴	۹.۲۷	۱۸۳.۸۵	۶۶.۹۳	۶۵.۴۹	۱۳.۵۸	۱۹.۸۷	۳.۷۰	۱.۰۸	۱۰۸.۲۳
۱۳	۳.۰۸	۴.۸۴	۱۸۵.۰۰	۶۸.۱۷	۶۷.۱۹	۱۵.۱۵	۱۸.۵۵	۳.۳۴	۱.۰۲	۱۴۰.۱۲
۱۴	۳.۱۵	۵.۲۸	۳۷۷.۶۷	۶۶.۴۹	۶۲.۰۰	۱۱.۱۹	۱۹.۵۶	۳.۳۰	۱.۰۱	۱۵۲.۵۷
۱۵	۳.۳۲	۹.۸۸	۲۲۹.۳۴	۶۹.۴۳	۵۹.۰۲	۱۶.۷۲	۲۲.۷۰	۳.۷۸	۱.۰۴	۱۴۹.۷۷
۱۶	۳.۲۰	۱۰.۸۷	۱۹۱.۵۱	۶۹.۲۸	۶۴.۷۲	۱۹.۳۴	۲۱.۷۰	۳.۴۸	۱.۰۵	۱۵۴.۳۴
۱۷	۳.۲۸	۱۲.۷۱	۳۱۴.۴۲	۶۹.۲۷	۶۰.۷۰	۲۰.۴۳	۲۱.۳۶	۳.۹۶	۱.۱۱	۱۵۲.۷۵
۱۸	۳.۴۰	۱۰.۴۵	۸۵.۰۶	۶۹.۴۵	۵۸.۲۷	۱۹.۷۶	۲۲.۳۶	۳.۸۳	۱.۰۴	۱۳۹.۵۹

۱۴۸.۹۵	۱.۰۷	۴.۱۶	۲۳.۲۹	۱۶.۳۸	۵۷.۷۴	۶۹.۲۰	۲۱۶.۵۲	۱۲.۳۵	۳.۴۷	۱۹
۱۳۲.۰۶	۱.۰۲	۳.۸۸	۲۱.۸۷	۱۶.۲۸	۶۸.۰۵	۶۹.۰۹	۱۵۹.۰۹	۹.۶۰	۳.۲۷	۲۰
۶۸.۷۹	۱.۰۱	۳.۶۳	۱۸.۷۵	۱۷.۳۲	۶۱.۲۷	۶۶.۰۰	۳۱.۵۷	۵.۰۹	۳.۲۳	۲۱
۴۴.۵۳	۱.۰۱	۳.۷۳	۲۰.۶۲	۲۲.۵۵	۶۰.۳۹	۶۷.۵۳	۱۷.۸۷	۴.۳۳	۳.۳۸	۲۲
۲,۷۱۸.۸۱	۲۲.۶۴	۷۶.۰۸	۴۱۸.۰۷	۳۳۰.۱۴	۳,۶۹.۰۷	۱,۴۸۴.۳۱	۳,۹۸۸.۷۹	۱۴۵.۰۶	۶۹.۳۱	جمع

ماخذ: استخراج از سرشماری عمومی نفوس و مسکن، طرح جامع تهران و محاسبات نگارنده

شاخص نزدیکی به مدرنیته C*	منطقه	شاخص نزدیکی به مدرنیته C*	منطقه
۲۰.۸۰۸	۱۲	۹.۱۲۹	۱
۱۵.۳۹۹	۱۳	۱۱.۰۹۱	۲
۲۰.۰۰۱	۱۴	۱۰.۸۵۲	۳
۲۳.۶۵۹	۱۵	۱۴.۰۳۷	۴
۲۴.۴۱۳	۱۶	۱۱.۸۷۲	۵
۲۹.۶۸۶	۱۷	۹.۲۵۴	۶
۲۱.۴۴۰	۱۸	۱۴.۹۹۷	۷
۲۶.۷۴۸	۱۹	۱۸.۵۷۹	۸
۲۱.۴۴۵	۲۰	۱۸.۰۰۶	۹
۱۱.۵۷۴	۲۱	۲۲.۷۶۷	۱۰
۱۰.۴۳۷	۲۲	۱۷.۶۳۵	۱۱

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با بدست آمدن میزان نزدیکی نسبی هر منطقه به شاخص‌های ایده‌ال، اعداد فوق در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی (ArcGis 9.3) وارد گردید. برای دسته‌بندی این اعداد در محیط نرم‌افزار، از شکست طبیعی استفاده شده و مناطق تهران بر اساس شاخص نزدیکی به پاسخ ایده‌ال در سه پهنه مرتب شدند. با توجه به جهت اولیه ماتریس شاخص‌ها، مناطقی که کمترین شاخص را به خود اختصاص داده‌اند، مناطق مدرن‌تر و در جهت عکس مناطقی که بیشترین شاخص را به خود اختصاص دادند و فاصله زیادی با مدرنیته داشته‌اند، در دسته سستی‌ترین مناطق قرار گرفتند.

برای از بین بردن جهت شاخص‌ها بر متغیر وابسته تحقیق، با معکوس کردن اطلاعات جهت همه شاخص‌ها یکسان و یکنواخت گردید.

با روش آنتروپی پس از بی‌مقیاس کردن شاخص‌ها، وزن آنها بدست آمده و ماتریس نرمال شده شاخص‌ها تهیه گردید. سپس عدد وزن تعدیل شده در نرم‌افزار SPSS با استفاده از تحلیل مولفه‌های اصلی بدست آمد (جدول ۴).

جدول ۴- محاسبه وزن تعدیل شده از طریق تحلیل

مولفه‌های اصلی

وزن نهایی	منطقه
۰.۰۰۱۰	بعد خانوار
۰.۱۹۵۴	درصد بی سواد
۰.۰۸۵۹۰	تراکم جمعیت
۰.۰۰۰۷	درصد متاهلین
۰.۰۰۰۱	متولدین تهران
۰.۰۳۰۹	بیکاری زنان
۰.۰۱۴۳	جمعیت ۰-۱۴ ساله
۰.۰۱۲۲	نفر در واحد مسکونی
۰.۰۲۰۵	خانوار در واحد مسکونی
۰.۰۴۲۸	مساحت مسکن

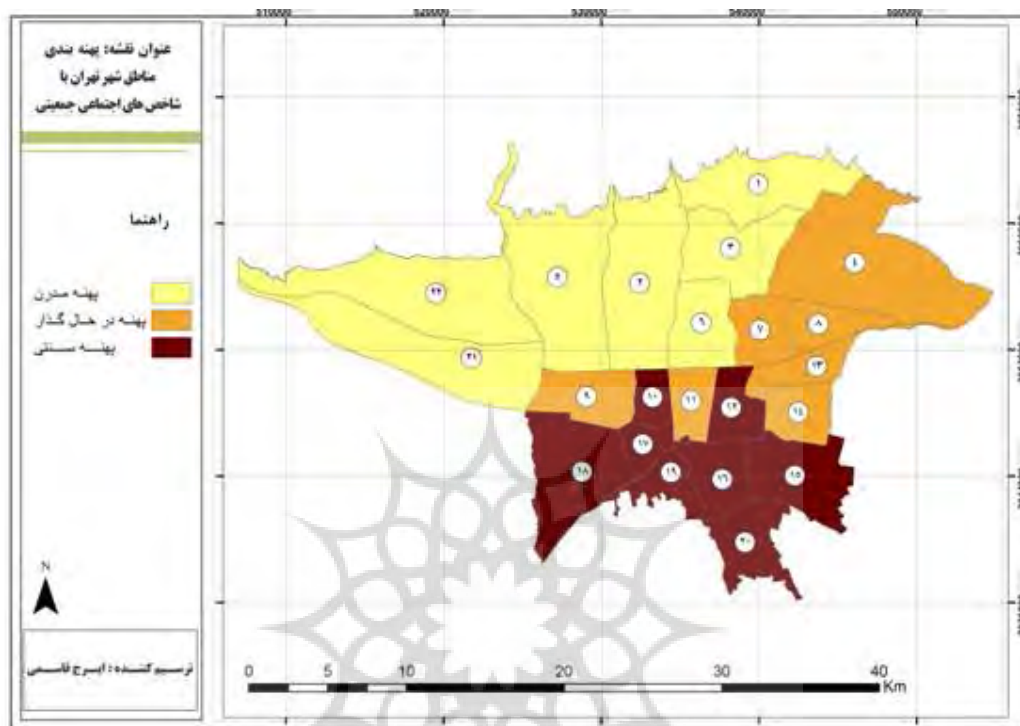
ماخذ: یافته‌های پژوهش

در قدم بعد ایده‌ال‌ترین و غیرقابل پذیرش‌ترین پاسخ‌ها (A+, A-) تعیین گردید. فاصله شاخص‌ها با توجه به نوع آن با ایده‌ال‌ترین و غیرقابل پذیرش‌ترین جواب محاسبه گردید. در نهایت میزان نزدیکی نسبی مناطق به پاسخ ایده‌ال محاسبه شد (جدول ۵).

جدول ۵- شاخص نزدیکی به مدرنیته در مناطق

گرفته‌اند. این مناطق را از نظر دستیابی به شاخص‌های اجتماعی مدرنیته می‌توان در سه پهنه مدرن، در حال گذار و سستی قرار داد (شکل ۵).

با توجه به یافته‌های تحقیق باید گفت مناطق شهر تهران از نظر شاخص‌های مورد بررسی و مدرنیزاسیون اجتماعی در سطوح متفاوتی قرار



شکل ۵- پهنه‌بندی مناطق تهران از نظر شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی

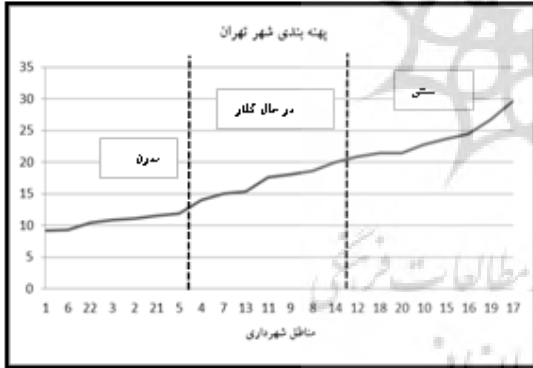
۴- نتیجه‌گیری

در این مطالعه وضعیت شاخص‌های جمعیتی - اجتماعی مناطق شهر تهران بر مبنای داده‌های ثانویه، مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های مختلف به صورت انفرادی و در مجموع، تفاوت در مدرن شدن مناطق را نشان می‌دهند. شاخص‌های بررسی شده در این مطالعه گویای آن است که میزان مدرن شدن مناطق از شمال به جنوب جغرافیایی تفاوت محسوسی داشته و بدین ترتیب پدیده شمال - جنوب شهر به لحاظ اجتماعی نهادینه شده است. این تفاوت، در مناطق میانی و شرقی شهر، به متوسط شاخص‌ها تمایل نشان می‌دهد.

با توجه به فرایند گذار از سنت به مدرنیته، می‌توان مناطق شهر تهران را به سه پهنه مدرن، در حال گذار و سستی تقسیم کرد. پهنه مدرن در شمال و غرب تهران گسترش یافته و شامل مناطق ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۲۱ و ۲۲ می‌باشد که کمترین میزان شاخص‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این پهنه از نظر شاخص‌های مورد بررسی، بهترین وضعیت را داشته و نزدیکترین موقعیت را نسبت به شرایط ایده‌آل دارند. منطقه ۱ و ۶ بیشترین نزدیکی را در این پهنه داشته و به عبارت دیگر مدرن‌ترین مناطق شهر می‌باشند. منطقه ۱ از پیشرفته‌ترین و مرفه‌نشین‌ترین مناطق تهران به شمار می‌رود که

تامین کنند. بنا بر این از نظر اجتماعی نتوانسته‌اند به خوبی در جامعه شهری ادغام شوند.

پهنه‌ای که در حوزه جغرافیایی میانی و شمال شرقی شهر قرار گرفته و در برگیرنده مناطق ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ می‌باشد، در حال گذار از سنتی به مدرن هستند. ویژگی این پهنه عدم پیوستگی فضایی است. به طوری که دو منطقه ۹ و ۱۱ از سایر مناطق این پهنه جدا شده‌اند. این پهنه در حال دگرذیسی در ارزشها و ویژگی‌های سنتی خود می‌باشد. این دگرذیسی میل به مدرن شدن داشته و تمایل به بهبود نسبی شاخص‌ها دارند. در این پهنه، مناطق ۴ و ۷ از وضعیت بهتری برخوردار هستند. منطقه ۴ به دلیل نزدیکی به مناطق مدرن (۳ و ۱) از یک طرف و حاشیه‌های شرقی تهران از سوی دیگر، در سطح خرد وضعیتی نامتعادل دارد. در نتیجه متوسط شاخص‌ها در تلفیق بین مدرن و سنتی وضعیتی میانه را نشان می‌دهد.



شکل ۶- نمودار پهنه‌بندی شهر تهران

نتیجه آنکه؛ فرضیه تحقیق مبنی بر تفاوت مناطق در گذار از سنت به مدرنیته و امکان پهنه‌بندی از نظر شاخص‌های اجتماعی جمعیتی تأیید می‌شود. علاوه بر این یافته‌های پژوهش در پهنه‌بندی مناطق با واقعیت‌های موجود و تصورات عمومی از شمال - جنوب شهر تهران انطباق داشته و آنگونه که هورکاد و دیگران ستیز بین شمال - جنوب را مطرح کرده‌اند،

یافته‌های تحقیق نیز توصیف‌گر این وضعیت می‌باشد. بلافاصله بعد از منطقه ۱، منطقه ۶ قرار می‌گیرد که متمایل به مرکز تهران است. وجود مراکز دانشگاهی و فرهنگی و استقرار دانشجویان هم بر میزان سواد و هم بر درصد مجردین و هم بر بعد خانوار که از شاخص‌های جامعه مدرن می‌باشند، تاثیر گذاشته است. پائین بودن میزان جمعیت زیر ۱۴ سال به دلیل ترکیب جمعیتی ویژه در این منطقه نیز عاملی است که بر مدرن بودن منطقه موثر واقع شده است. با توجه به اینکه در طرح جامع جدید، محور فعالیت مدرن در این منطقه قرار گرفته و کاربری‌های مدرن از جمله دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر و آزاد اسلامی در این محدوده استقرار یافته‌اند، بالارفتن شاخص‌ها قابل توجیه است.

پهنه سنتی بر حوزه جغرافیایی جنوب شهر تهران انطباق دارد. در این پهنه هشت منطقه جنوبی شامل مناطق ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ قرار گرفته‌اند. شاخص‌های مورد مطالعه در این مناطق دورترین فاصله را با وضعیت ایده‌آل دارند. این پهنه نیاز به توجه ویژه برای توسعه اجتماعی و فرهنگی دارد. منطقه ۱۲ در این پهنه اولین منطقه و نزدیکترین آنها به پهنه در حال گذار می‌باشد. تغییر عملکرد منطقه از مسکونی به تجاری و ایفای نقش مرکزیت تجاری شهر، باعث مهاجرت جمعیت بومی و جایگزینی جمعیت کم‌درآمد مهاجر به شهر شده است. نرخ رشد جمعیت و میزان متولدین غیرتهرانی منطقه گویای این امر است. در نتیجه شاخص‌های اجتماعی نسبت به مناطق دیگر کاهش یافته است. مناطق ۱۷ و ۱۹ پائین‌ترین شاخص و دورترین فاصله تا شرایط ایده‌آل را دارند. این مناطق محل سکونت حاشیه‌نشینان و گروه‌های کم‌درآمد شهری هستند که توانسته‌اند حداقلی از امکانات سکونت در شهر را

همین دلیل در بهترین حالت و مدرن‌ترین مناطق نیز شاخص به صفر نمی‌رسد.

۵- پیشنهادها

در پهنه جغرافیایی مدرن، سنت‌ها و ارزش‌های اجتماعی و نیز شاخص‌های جمعیت به سرعت در معرض تغییر قرار گرفته است. از این رو برنامه توسعه باید برای حفظ ارزش‌های بومی و دینی و نیز احیاء ارزش‌های خانواده‌گرایی، ازدواج و سایر ارزش‌های مورد احترام جامعه ایرانی و اسلامی برنامه اجتماعی مشخص ارائه شود.

- در مناطق در حال گذار اصلی‌ترین موضوع، مدیریت چالش‌ها و تعارض‌های سنت و مدرنیته می‌باشد. سنت پویا در این مناطق درصد در حال دگردیسی و تخریب می‌باشد. برنامه توسعه باید همساز کردن و آشتی سنت و مدرنیته را هدف خود قرار دهد.

- در مناطق سنتی، پائین بودن سطح شاخص‌های اجتماعی و مقاومت ارزش‌های سنتی در برابر مدرنیته مشکل و ضعف اصلی به شمار می‌رود. در این مناطق باید برنامه ویژه برای توانمندسازی و افزایش آگاهی‌ها و فرهنگ جامعه برای رویارویی مناسب با مدرنیته تهیه شود.

- برخی پیامدهای مدرنیزاسیون اجتماعی که با سنت‌های بومی در تعارض است، مانع پیشرفت سایر ابعاد مدرنیزاسیون اجتماعی می‌باشد. از این رو مدیریت فرایند مدرنیزاسیون برای کاهش فاصله مناطق از نظر دستیابی به اصول مدرنیته و کنترل چالش‌های سنت و مدرنیته و بازتعریف روش مدرنیزاسیون اجتماعی در جامعه ضرورت دارد. پیشنهاد می‌شود مدیریت متمرکز و با برنامه در چارچوب اهداف ذکر شده سازماندهی شده و استقرار

در ابعاد اجتماعی و جمعیتی قابل مشاهده است. اما نکته حائز اهمیت این است که هورکاد با مطالعات خود در دهه ۶۰ معتقد است پدیده شمال - جنوب در حال افول است، در صورتی که این مطالعه نشان داد که شمال - جنوب همچنان وجود داشته و در جامعه تهران نهادینه و تثبیت شده است.

همچنین می‌توان نتیجه گرفت که؛ مدرنیزاسیون اجتماعی در مناطق شهر تهران در برخورد با سنت‌های فعال و پویا با سرعت و شتاب متفاوتی پیشرفت کرده است. مدرنیزاسیون اجتماعی در تعامل و تقابل با سنت در جنوب دچار چالش بیشتری شده است. اما این چالش به معنی توقف فرایند مدرنیزاسیون نبوده است. به همین دلیل با بهبود نسبی شرایط در مناطق میانی، وضعیت چانه‌زنی بین سنت و مدرنیته شکل گرفته و این مناطق دگردیسی از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند. در جهت مقابل، سنت در پهنه شمالی تهران، زمینه مناسب‌تری را برای پیشرفت برنامه‌های مدرنیزاسیون فراهم کرده و با سست شدن ارزش‌های سنتی، یا بومی کردن مدرنیته، دگردیسی از سنت به مدرنیته پیشرفت بیشتری داشته است. بنابراین این، جامعه و شاخص‌های مورد بررسی توانسته‌اند به شاخص‌ها و اصول مدرنیته نزدیکتر شوند.

نهایت اینکه، سنت بومی و پویای جامعه در پی درونی کردن شاخص‌های مدرنیته بوده و در این فرایند راه و روش خاصی را برای مدرن شدن تعریف کرده است. در این روش مدرنیزاسیون، در مناطق شهر تهران نمی‌توان خلوص سنت یا مدرنیته را یافت. بلکه در عین پذیرش اصول مدرنیته، با سرعت و شتاب متفاوت، در پی تعریف مجدد این اصول در جامعه ایرانی هستند. از این رو میزانی از شاخص‌های مورد بررسی را پذیرفته و بین سنت و مدرنیته مانده‌اند. به

- یابد.
- پیشنهاد می‌شود برنامه‌های توسعه اجتماعی، فعالیت‌ها و اقدامات خود را با اولویت مناطق سنتی توسعه دهند.
- پیشنهاد می‌شود مطالعات پهنه‌بندی و سطح‌بندی مناطق تهران از دیدگاه مدرنیزاسیون با شاخص‌های جامع و در همه ابعاد در دستور کار قرار گیرد.
- برای مدیریت چالش مدرنیزاسیون و انطباق سنت بومی با مدرنیته، برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت تدوین گردد.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰) مدرنیته ایرانی: روشنفکران ایرانی و پارادایم‌های فکری عقب ماندگی در ایران، تهران: انتشارات اجتماع.
- آزادارمکی، تقی و ملکی، امیر (۱۳۸۶) تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، بهار ۱۳۸۶
- احمدی، بابک (۱۳۷۷) معمای مدرنیته، تهران، نشر مرکز
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر
- بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸) تجدد فراتجدد و پس از آن شهرسازی، تهران، دانشگاه تهران
- برناردز، جان (۱۳۸۴) درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- بودلر، شارل (۱۳۸۱) نقاش زندگی مدرن، مترجم مهتاب بلوکی، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ویرایش عبدالکریم رشیدیان، تهران نشر نی
- بوم سازگان (مهندسین مشاور) (۱۳۸۵) گزارش نهایی (جمع بندی نتایج و دستاوردهای طرح)
- پایا، علی (۱۳۸۷) ملاحظاتی انتقادی در باره تجربه مدرنیته ایرانی، مجله علمی پژوهشی حکمت و فلسفه سال چهارم شماره سوم، پائیز ۱۳۸۷
- پوراحمد، احمد و یزدانی، محمدحسن (۱۳۸۴) تاثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای اسلامی - ایرانی نمونه تبریز، تحقیقات جغرافیایی بهار ۱۳۸۶ شماره ۲۲ (پیاپی ۸۴): ۲۹-۵۲
- تانکیس، فرن (۱۳۸۸) فضا شهر و نظریه اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری، ترجمه دکتر حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، تهران، دانشگاه تهران
- حیبی، سید محسن (۱۳۸۵) شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی
- زگر، مارتین (۱۳۷۵) تفکیک تسهیلات خرده‌فرشی و مرکز دوقطبی تهران، در "تهران پایتخت دویمت ساله (مجموعه مقالات)"، زیر نظر شهریار عدل و برنارد اورکاد، تهران، سازمان مشاور فنی و مهندسی تهران و انجمن ایران شناسی فرانسه

- نجفی، موسی (به کوشش) (۱۳۸۷) پرسش از ماهیت مدرنیته در ایران، مجموعه مقالات، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی
- هورکاد، برنارد (۱۳۸۸) تهران- البرز، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، انتشارات محقق ترانه
- Arce, Alberto and Long, Norman.(ed.)(2000), "Reconfiguring modernity and development from an anthropological perspective in anthropology, development and modernity
- Gregory, Derek and... (et al) (2009) The dictionary of human geography, by Blackwell Publishing Ltd except for editorial material and organization, This 5th edition first published 2009
- Giddens, Anthony (1996), The Consequences of modernity, POLITY PRESS, First published in paperback 1991 Reprinted 1992, 1993, 1994, 1995, 1996
- Ginsberg, Morris (1958), social change, British Journal of social Science
- Heynen, Hilde (1999) Architecture and modernity: a critique, Massachusetts Institute of Technology
- Nanda serena & Warms Richard (2002) cultural anthropology, Ortiz, Fernando.
- Sassen, Saskia (2001) The Global City: New York, London, Tokyo, Princeton University Press
- Witherick Michael & Els (1991) A modern dictionary of geography, New York, co-published in the United States of America by Oxford University Press inc
- Wilson. M. Bobby, Appiah-Opoku Seth (2011) Zoning as a Form of Social Engineering, Springer Netherlands
- ژرژ، پیر (۱۳۷۰) جهان نابرابر: جغرافیای نابرابر، ترجمه فروزان خزانگی، مشهد، نشر نیکا
- سیف زاده حسن (۱۳۷۳) نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران، نشر قومس
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۷۵) ارزیابی انتقادی نظریه نوسازی، مجله نامه پژوهش، تابستان ۱۳۷۵ - پیش شماره ۱
- کرمی، تاج‌الدین (۱۳۹۰) نابرابری فضایی در فرایند گسترش کالبدی شهر: مورد شهر تهران، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم جغرافیایی
- لش، اسکات (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم
- محمدزاده، رحمت (۱۳۸۴)، بررسی آثار مدرنیته غربی بر شهرسازی ایرانی، نشریه صفا شماره ۴۸
- محمدی، محمدعلی (۱۳۸۷) چالش‌های اجتماعی و فرهنگی سنت و مدرنیته در ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۹۲) سنجش کیفیت زندگی در شهر تهران، مهندسين مشاور خدمات مدیریت ایرانیان



University Of Isfahan

Urban - Regional Studies and Research Journal

Vol. 5 – No. 19 - Winter 2014

ISSN (online): 2252-0848

ISSN (Print): 2008-5354

<http://uijs.ui.ac.ir/urs>

Zoning of Tehran based on population and social indicators of modernity

A. Pourahamad, S.H. Hataminejad, I.Ghasemi

Received: April 30, 2013/ Accepted: October 12, 2013, 1-4 P

Extended abstract

1-Introduction¹

Tehran as gate way of modern culture and ground for challenges of modernity and tradition has been affected by these changes and reproduced them. It is important to mention that, the entire geographical region of Tehran did not received same amount of changes and south- north differences has created a spatial in equality in the process of physical expansion of Tehran city. By expansion of the city and emerging of dual inequality there were grate necessity for improvement of urban services, planning for improving of socio- cultural indicators and modernization of society. The main problem of the present article is to recognition and distinguishing of spatial and location

difference of socio- cultural changes. With emphases to the mentioned problem, the main objective of this study is to recognition and distinguish modern zone from traditional and transactional one through study of modernity social indicators in different region of Tehran city. Thus the article attempts to provide answer to the following questions:

From social modernization point of view, urban regions of Tehran are at which level?

How can zoning of Tehran regions on the bases of obtaining of modernity social indicators?

To answer these questions the secondary data from 22 regions of Tehran were applied, and for spatial explanation, indicators of Tehran municipality based map were employed. For data processing, TOPSIS techniques was used all calculations were carried out by Excel and SPSS software. The result of the study spatially is shown by the Arc GIS software.

Author (s)

A. Pourahamad

Professor of Geography and Urban Planning, Tehran University, Tehran, Iran

S.H. Hataminejad

Associate Professor of Geography and Urban Planning, Tehran University, Tehran, Iran

I.Ghasemi (✉)

PhD. Student of Geography and Urban Planning, Tehran University, Tehran, Iran

E-mail: i_ghasemi@ut.ac.ir

Table (1) characteristics of modern society and studied indicators

Characteristics Of Modern Society	Indicators
Nuclear family	Family size
Per land increase of population	Population density
Decrease of traditional family value	Percentage of never married in population
Increasing of knowledge and science of Human	Literacy percentage
Changing of values and attitudes and weakening of traditional family	Percentage of working women in population
Decreasing of birth rate	Percentage of 0-14 years old in population
Increasing of the standard of living	Number of individual per house
	Number of family per house
Family income	Average of house size
migration	Percentage of immigrants
	Percentage of population born out of city

2- Theoretical bases

Modernization is implementing styles and principals of modernism in a tradition society (Witherick,1991:173;Arce,2000:2;). Sociologists, define modernization as process of turning a tradition society to a modern society in which creates positive and negative consequences. In third world countries, modernization in clash with tradition obtains different shapes modernization models interpret dualism of tradition and modernism, which in this process societies move from tradition to modernism(Nanda & Warms,2002;400). Cannot be find any society which is totally modern of tradition. Shift to a modern situation is a permanent act, and achieving this goal include a spectrum of completely tradition to modern this process of change justifies in quality in indicators.

3-Discussion

Regions of Tehran were classified in three categories, based of distance from the ideal level, according to the direction of the primary matrix of indicators, the regions where, obtained the lowest index were included in modern category and vise- versa

the regions where, obtained the highest index values and had the high distance. With modernity included as tradition category based on the finding of the research, can be said that, the regions of the Tehran from the view point of social modernization indicators have different levels. According to these indicators, the regions of Tehran can be classified in to three categories of 1) modern regions 2) transitional regions and 3) traditional regions.

4- Conclusion

Finding of this research in zoning of regions are conform to the present reality and public imagination of north-south in Tehran. There for can be said that this method of zoning of city can properly interpret the present reality.

Social modernization in regions of Tehran in clash with dynamic traditions, extended with different speed and acceleration social modernization in clash with tradition in shout of Tehran faced with serious challenges. On the contrary

in the north of Tehran , tradition provide a batter context for development of modernization programs .and by weakening traditional values or localization of modernism transition from tradition to modernism much more extended native and dynamic tradition of the society in the process of localization of modernism indices , has defined particular methods for modernization .

5-Suggestions

Based on the finding of the research, following suggestions can be provided

a centralized management and plan based on mentioned objective should be organized and implemented.

Social development plans should extend its activities with the priority of traditional regions

A study of zoning of Tehran regions carried out by using comprehensive indicators of modernization paradigm.

A long term and a short – term plan for managing modernization challenges and conforming tradition to modernism was prepared.

Keywords: modernization, zoning of Tehran, social indicator of modernity, social modernization

References

- Azadarmaki, taqi (2001) Iranian modernity: Iranian intellectuals and paradigms of mental retardation in, Tehran, Ejtemae press
- Azadarmaki, taqi (2007) Analysis of traditional and modern values in the micro and macro levels, Social Sciences Bulletin, NO 30, spring 2007
- Ahmadi, babak (1998) Dilemma of Modernity, Markaz press
- Ingelhart, R. (1994) Cultural change in advanced industrial society, translated by Maryam Vetr, Kavir press
- Bahreyni, H. (1999) modernism postmodernism and afterin urban design, Tehran university press.
- Bernardz, J. (2005) Introduction to Family Studies, translated by Hoseyn ghaziyan Tehran Publication Nay
- boaudle, sh. (2002) Painter of Modern Life, Translated by M blocki, from modernism to postmodernism, edited Rashidian Karim, Tehran Publication Nay
- Boomsazgan (Consulting Engineers) (2006) Final Report (summarizing the results and achievements of the project) Tehran Comprehensive Plan (1385), a strategic plan to guide and control the physical changes (Tehran Comprehensive Plan Documents) (Documents Part III: verification and completed the development of Tehran), spring 1385, Tehran and planning Center - a joint institution of a comprehensive and detailed plan for Tehran.
- Paply Yazdi, MH and Saghaei, M. (2002) Tradition, Modernity reading an article: Geography is the interaction of human (cultural) technology, environmental management, Geographical Research Quarterly, Summer and Fall 1381 - Number 65 and 66
- Paya, A. (2008) Critical remarks about the Iranian experience of modernity, the scientific journal of Philosophy in third-quarter numbers, Autumn 1387
- Pourahmad, A. and Yazdani, MH (2005) The impact of modernization on the physical development of cities - Persian Tabriz case, Geographical Research 1386, 22
- Tonkiss, F. (2009) space, The City and social Theory social relations and urban forms, translated by Hamid Reza Parsi and Arezou Aflatouni, Tehran university press
- Habibi, Seyed M. (2006) Architecture of intellectual currents in contemporary Iran, Tehran, Cultural Research Bureau
- seger, Martin (1996) Separation retail facilities dipole center in Tehran, "Tehran is the capital two hundred years old (Proceedings)", under the Shahriar Adl and Bernard Hourkad, Tehran, Iran Association of Engineering Consultants of France
- Georges, Pierre (1991) Unequal World: Uneven Geography, translated by F. Khazaeni, Mashhad, publishing Nika
- Saif M. Hassan (1373) Modernization and Political Change, Tehran, publishing Ghomes
- Fazeli, N. (1996) Critical evaluation of modernization theory, Journal of Research Letters, Summer 1375 - Preview (1)
- Karami, Taj al-Din (1390) Spatial disparities in the physical development of the city:

- the city of Tehran, Ph.D. theses, Tehran, Tarbiat Moallem University, School of Geographical Sciences.
- Lash, Scott (2009) *Sociology of Postmodernism*, translated by H. Chavshyan, Tehran, Press Center, Third Edition.
- Mohammad Zadeh, Rahmat (2005), *Effects of western modernity on Iran urbanization*, I Soffeh pages (48)
- Mohammadi, Mohammad Ali (2008) *Social and cultural challenges of tradition and modernity in Iran*, Tehran, Islamic Azad University.
- Research and Planning Center of Tehran (20013) *Quality of life in Tehran, Iran* Management Consulting Services.
- Najafi, Moses (Compiled) (1387), *the question of the nature of modernity in Iran*, Proceedings, second edition, Tehran, Islamic Culture.
- Hourkad, Bernard (2009) *Tehran - Alborz*, translated by Sirous Sahami, Mashhad, research publications Taraneh.
- Arce, Alberto and Long, Norman.(ed.)(2000), "Reconfiguring modernity and development from an anthropological perspective in anthropology, development and modernity.
- Gregory, Derek and... (et al) (2009) *The dictionary of human geography*, by Blackwell Publishing Ltd except for editorial material and organization, This 5th edition first published 2009.
- Giddens, Anthony (1996), *The Consequences of modernity*, POLITY PRESS, First published in paperback 1991 Reprinted 1992, 1993, 1994, 1995, 1996.
- Ginsberg, Morris (1958), *social change*, British Journal of social Science.
- Heynen, Hilde (1999) *Architecture and modernity: a critique*, Massachusetts Institute of Technology.
- Nanda serena & Warms Richard (2002) *cultural anthropology*, Ortiz, Fernando.
- Sassen, Saskia (2001) *The Global City: New York, London, Tokyo*, Princeton University Press.
- Witherick Michael & Els (1991) *A modern dictionary of geography*, New York, co-published in the United States of America by Oxford University Press inc.
- Wilson. M. Bobby, Appiah-Opoku Seth (2011) *Zoning as a Form of Social Engineering*, Springer Netherlands